

الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی

محمدحسن شیخ الاسلامی^۱

استادیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

حمید سرادار^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۱۴

چکیده

ورود مباحث دینی به عرصه‌ی روابط بین الملل یکی از تحولات جدی چند دهه‌ی اخیر است. اگرچه استفاده از مذهب در چارچوب دیپلماسی سابقه‌ای تاریخی دارد، اما موضوع بهره‌گیری از ظرفیت مذهب در چارچوب دیپلماسی فرهنگی در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. این پژوهش در پی یافتن جایگاه مذهب در دیپلماسی فرهنگی عربستان است. هم‌چنین در این پژوهش ساختار و فعالیت‌های سازمان رابطه العالم الاسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به‌نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل مانند قرار گرفتن مکه و مدینه در قلمروی این کشور، زمینه‌های تاریخی و هم‌چنین انگیزه‌های سیاسی سعودی‌ها منجر به اهمیت یافتن دین در رفتار دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی شده است. در این میان رابطه العالم الاسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز ترویج اندیشه سلفی‌گری در جهان، نقشی اساسی به‌عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی ایفا می‌کند. **واژه‌های کلیدی:** دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی دینی، عربستان سعودی، رابطه العالم الاسلامی.

1. mhsheikh@gmail.com

2. hamidsaradar@gmail.com

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهای دیپلماسی عمومی است که، حکومت‌ها برای نوسازی این منابع استفاده می‌کنند تا بیش از آن که صرفاً حکومت کشورهای دیگر را جذب کنند، مردم آن کشورها را جذب کنند. امروزه در محافل علمی، دیپلماسی عمومی و زیرمجموعه‌های آن مانند دیپلماسی فرهنگی را برنامه‌ریزی استراتژیک و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی توسط یک کشور برای افکار عمومی در کشور هدف تعریف می‌کنند. (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۹۱)

سابقه‌ی استفاده از مذهب به‌عنوان موضوع و هم‌چنین ابزار دیپلماسی سابقه‌ی تاریخی طولانی دارد. اما با بازگشت دین به عرصه‌ی روابط بین‌الملل از اواخر قرن بیستم، طیفی وسیعی از مفاهیم جدید وارد مباحث روابط بین‌الملل شده است. انتشار کتاب‌های زیادی که در طول دهه‌های اخیر به موضوع ارتباط دین و روابط بین‌الملل اشاره دارند، نشان دهنده‌ی بازگشت دین به عرصه روابط بین‌الملل است. تقریباً در همه مطالب چاپ شده مربوطه، این نکته ذکر می‌شود که، دین به عرصه جهانی بازگشته است. مفهوم دیپلماسی دینی که در چارچوب دیپلماسی فرهنگی فهم می‌شود، یکی از این مفاهیم جدید است. در این مفهوم دین به‌عنوان موضوع و هم‌چنین ایجاد درک مشترک، ایجاد جذابیت و افزایش قدرت نفوذ در راستای اهداف سیاست خارجی مطرح می‌شود.

جان لنگزوسکی در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی، نفوذ سیاسی و استراتژی هم‌گرایانه» ابزارهای دیپلماسی فرهنگی را برمی‌شمارد. وی علاوه بر ذکر عناصری مانند هنر، تاریخ، نمایشگاه‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و مبادله، آموزش زبان، رسانه‌ها، دیپلماسی دینی را به‌عنوان ابزار و هم‌چنین موضوع دیپلماسی فرهنگی مطرح می‌کند. وی معتقد است: «عنصر کلیدی در دیپلماسی دینی، گفتگوی بین ادیان را دربرمی‌گیرد. این گفتگوها در سال‌های اخیر بین ادیان اسلام، مسیحیت و یهود برای کاهش خصومت‌ها اتفاق افتاده است» (لنگزوسکی، ۲۰۰۸: ۱۸).

یکی دیگر از مفاهیم جدید در حوزه دیپلماسی فرهنگی، مفهوم دیپلماسی مبتنی بر دین^۱ است. مرکز دیپلماسی عمومی آمریکا در چارچوب برنامه‌ی ابتکاری دیپلماسی مبتنی بر دین، کنفرانسی را در مارس ۲۰۱۱ برگزار کرد که شرکت کنندگان در آن به بحث و تبادل نظر در مورد نقاط برخورد سیاست خارجی و مذهب پرداختند. برگزارکنندگان معتقدند این کنفرانس



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۰۴

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



و پژوهشهای دیگر آنها نشان می‌دهد؛ دولت‌ها و عموم مردم درک درستی نسبت به زمینه‌ی تاریخی و ماهیت چندگانه‌ی دیپلماسی مبتنی بر ایمان ندارند. هم‌چنین برخی افراد تمایل دارند اعتقاداتی که به‌خوبی درک نشده‌است یا شخص احساس می‌کند با باورهای شخصی‌اش در تعارض است را شیطانی جلوه‌دهد. از این‌رو بسیاری از سیاست‌گزاران نسبت به سخن گفتن از مسائل اعتقادی بی‌میل هستند. اما به‌هر حال از آن جا که انتشار و نفوذ باورهای دینی به‌وسیله فناوری‌های ارتباطی گسترش پیدا کرده‌است، بنابراین جهان در حال مذهبی‌تر شدن است و دیپلماسی عمومی باید نسبت به موضوع مذهب تعامل داشته باشد (لیت، ۲۰۱۱: ۹).

دیپلماسی مبتنی بر ایمان چهار نقطه قوت را برای مسائل دیپلماتیک ایجاد می‌کند:

- ایجاد موقعیتی برتر به‌دلیل توسل به مسائل معنوی (بخشش، احترام، صداقت) در مناسبات و مذاکرات که اغلب بر موانع سکولاریستی غلبه دارد.
- حاکم بودن اخلاق، جهت حمایت از فضایی امن برای کشف منافع مشترک و حل و فصل تعارضات

• چشم اندازی برای عدالت اجتماعی و اقتصادی

- توسعه و بهبود صلح در ابعاد مختلف و مقابله با نگرش خصمانه و پرهیز از تخریب طرف مقابل (چاقمی، ۱۳۹۰).

عباس ملکی نیز معتقد است ناقلان پیام‌های فرهنگی ایران تنها دیپلمات‌ها نیستند و در هزاره سوم به‌دلیل امکان ارتباط بیشتر بین مردمان جوامع مختلف، دیپلماسی فرهنگی منحصر به دست اندرکاران سیاست خارجی نیست. وی از روحانیون به‌عنوان اقشاری که می‌توانند حاملان فرهنگ ایران باشند و دیگر جوامع را از غنای فرهنگی و تمدنی ایران آگاه سازند، نام می‌برد (ملکی، ۱۳۸۷: ۷۵). در مجموع علی‌رغم اختلاف‌نظرهای موجود در مورد مذهب و نقش آن در روابط بین‌الملل، همه‌ی افرادی که بر اهمیت دیپلماسی عمومی صحنه می‌گذارند، بر لزوم مطالعه و به‌کارگیری دین در دیپلماسی عمومی نیز تأکید می‌کنند. به‌ویژه این موضوع پس از وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر اهمیت بیشتری پیدا کرده‌است.

در مورد عربستان سعودی مجموعه‌ای از عوامل باعث شده‌است تا این کشور ظرفیت‌های زیادی را برای استفاده از مذهب در قالب دیپلماسی فرهنگی پیدا کند. قرار گرفتن مکه مکرمه و مدینه منوره در این کشور، زمینه‌های تاریخی و هم‌چنین رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای منجر به اهمیت یافتن دین در رفتار دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی شده‌است.

تقریباً همه‌ی پژوهشهای علمی مربوط به سیاست در عربستان، به نقش اساسی دین در سیاست خارجی این کشور پرداخته‌اند. برای مثال می‌توان به کتاب «برآورد استراتژیک عربستان سعودی»، نوشته زراعت‌پیشه اشاره کرد. وی در این اثر، ایدئولوژی را در کنار نفت، به‌عنوان یکی از دو ابزار و تکیه‌گاه‌های سیاست خارجی عربستان معرفی می‌کند (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴). الهام منیعه پژوهش‌گر عربی‌الاصل نیز می‌نویسد: «سعودی‌ها برای تضمین ثبات داخلی و خارجی خود، سیاست خارجی خود را براساس مذهب بنا کرده‌اند.» (مانیا، ۲۰۰۵: ۱۰۶) دسته‌ای دیگر از پژوهشها نیز به فعالیت‌های تبلیغی- مذهبی توسط عربستان در خارج از این کشور اشاره دارند. بارونی در پایان نامه خود به عوامل مؤثر بر گسترش وهابیت در سطح جهانی به‌عنوان اسلام سیاسی اشاره می‌کند (بارونی، ۲۰۰۶). مسجد جامعی نیز بخشی از کتاب «نظری بر تاریخ وهابیت» خود را به موضوع ساختار تبلیغات مذهبی عربستان و از جمله فعالیت‌های رابطه العالم الاسلامی اختصاص می‌دهد (مسجد جامعی، ۱۳۸۰). به همین ترتیب بیشتر منابع موجود در مورد سازمان رابطه العالم الاسلامی نیز جنبه گزارشی و توصیفی دارند. اما در بین منابع موجود، نگارندگان به منبعی که به موضوع جایگاه سازمان رابطه العالم الاسلامی در دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی و کامیابی یا ناکامی آن براساس چارچوب‌های نظری دیپلماسی فرهنگی پرداخته باشد، برنخوردند.

این پژوهش به دنبال ارزیابی کارآمدی سازمان رابطه العالم الاسلامی به‌عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی براساس مدل‌های سه‌گانه دیپلماسی عمومی «ایتان گیلپوا»^۲ است. به عبارت دیگر این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤال زیر است:

- چرا عملکرد سازمان «رابطه العالم الاسلامی» در راستای الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی موفقیت‌آمیز بوده است؟

روش انجام این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز از طریق اسناد و مدارک مکتوب شامل کتاب‌ها، مجلات تخصصی و مقالات گردآوری شده است. هم‌چنین برای دسترسی به اطلاعات به‌روزتر از منابع اینترنتی نیز استفاده شده است.

۱. چارچوب نظری

امروز دیپلماسی فرهنگی پرکاربردترین نوع دیپلماسی عمومی است. این دیپلماسی در ساختار زمانی بلند مدت شکل می‌گیرد و در این زمینه دسترسی به اطلاعات بیرونی می‌باشد. دیپلماسی



فرهنگی آن گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهای از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ می‌کند (خانی، ۱۳۸۴: ۳).

در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تعاریف مختلفی از دیپلماسی فرهنگی ارائه شده است. فرانک نینکوویچ دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی براساس ارزش‌های مشترک می‌داند (نینکوویچ، ۱۹۹۶: ۳). این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویری واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آن‌ها (مالونی، ۱۹۹۸: ۱۲) و سرانجام، در تعریف میلتن کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله‌ی ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه‌ی زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها (کامینگز، ۲۰۰۳: ۱).

به‌طور خلاصه دیپلماسی فرهنگی را می‌توان مجموعه کوشش‌های یک دولت در زمینه سیاست خارجی دانست، که به‌جای استفاده یا در کنار استفاده از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی برای جلب توجه و علاقه مخاطبان کشورهای دیگر به‌طور مستقیم و از طریق امکانات غیرسیاسی در داخل جوامع مختلف در آن‌ها تأثیر می‌گذارد. ابزارهای اصلی در این نوع دیپلماسی آموزش زبان، مبادلات آموزشی و شیوه‌های دیگر تماس‌های مستقیم فرهنگی‌اند (حقیقی، ۱۳۸۶: ۱۷).

۱-۱. ابزارها و مزایای دیپلماسی عمومی

در بستر دیپلماسی فرهنگی چند ابزارها و راهکارهای مختلفی برای شناساندن فرهنگ ملی (فرهنگ کشور مبدا) به مردم دیگر کشورها وجود دارد:

- چاپ و نشر کتاب و مجلات متعدد به زبان‌های مختلف دنیا
- ایجاد ارتباط گسترده با دانشمندان و مراکز علمی خارج از کشور
- تبادل هیأت‌های فرهنگی، دانشجو، استاد
- ایجاد ارتباط عمیق و گسترده دینی با رهبران ادیان مختلف کشورها
- برگزاری نمایشگاه هنری و هفته‌های فیلم

- برقراری ارتباط با سازمان‌های غیردولتی به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی فرهنگی (صالحی‌امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

دیپلماسی فرهنگی دارای مزایای بسیاری است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:
۱. مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین علل ناکامی دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاست خارجی‌شان در سایر کشورها مقاومت‌هایی است که در کشورهایی مورد نظر در مقابل پیاده شدن آن‌ها صورت می‌گیرد.

۲. عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت بیشتر و نامحسوس بودن اعمال آن و در نتیجه، هدف قرار دادن ذهن و روح مخاطبان خود از دیگر مزایای آن است. دیپلماسی آن‌گاه که با هدف تسخیر اذهان و قلوب مردمان سایر جوامع طراحی و اعمال می‌شود، نباید با یک تلقی خصمانه، منفی، سلطه‌طلبانه در ذهن مخاطبان همراه باشد.

۳. در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این به نوبه خود بر گسترده حوزه مانور و دامنه تأثیر گذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سستی می‌افزاید.

۴. دیپلماسی بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان شمول و سپس تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش‌ها و منافع مشترک است.

۵. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به منزله فتح بابی برای مفاهیم بیشتر و بهتر میان کشورها به کار گرفته شود و به مرور زمان، منجر به پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورها شود و این تعمیق، حتی می‌تواند به حوزه‌های امنیتی و سیاسی هم تسری یابد.

۶. و سرانجام دیپلماسی فرهنگی می‌تواند خلاقانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر از دیپلماسی کلاسیک و سستی در بسیاری از حوزه‌ها طراحی و اجرا شود (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۵).

۱-۲. مدل سه‌گانه ایتان گیل‌بوا

ایتان گیل‌بوا براساس پنج عامل بازیگران اصلی، عوامل مؤثر، اهداف، نوع رسانه و ابزار و تکنیک، سه الگو برای تحلیل دیپلماسی عمومی ارائه می‌کند. البته وی ماهیت بازیگران، اهداف و شیوه‌های آن‌ها را بر مبنای بحث قرار می‌دهد.

۱-۳-۱. مدل جنگ سرد

این روش دیپلماسی عمومی به وسیله کشوری مقابل کشورهای دیگر که عمدتاً در وضعیت و شرایط خصمانه قرار دارند و هدف آن دستیابی به اثرات بلندمدت است. این گونه از دیپلماسی به دنبال ایجاد تصویری مطلوب از سیاست‌ها، کنش‌ها و نظام سیاسی - اقتصادی خود در نزد جامعه‌ی هدف است (گیلبوا، ۱۳۸۸). به‌طور مشخص دولت در بین‌المللی و جهانی دیپلماسی عمومی ندارد و اهداف خود را در یک فرایند دوجانبه تعریف می‌کند. مفروض اصلی برای کشور مبداء آن است که اقناع افکار عمومی جامعه هدف و متقاعد کردن آن‌ها برای پذیرش تصویر ارائه شده آثار سیاسی در بردارد (گیلبوا، ۲۰۰۸: ۷۳). بدین گونه که جامعه با فشار بر دولت خود می‌تواند مواضع و سیاست‌های خصمانه دولت هدف را تغییر دهد و از سوی دیگر می‌توان با تبلیغات سوء دولت هدف نسبت به سیاست‌های دولت مبداء در قبال جامعه‌ی خودش مقابله نمود. دوران جنگ سرد آمریکا و شوروی در جهت ایجاد گرایش نسبت به مدل سیاسی خود، از این الگو تبعیت می‌کردند. بنابراین در این مدل بازیگر دولت، ابزار شبکه‌های خبررسانی در اختیار دولت و اهداف بلند مدت است (نکویی، ۱۳۹۰: ۴۸).

۱-۳-۲. مدل فراملی غیردولتی

با ظهور بازیگران جدید در امور بین‌الملل مانند سازمان‌های مردم نهاد و وابستگی متقابل قابل ملاحظه میان تمام بازیگران، الگوی جنگ سرد نیازمند تجدیدنظر بود. مدل فراملی غیردولتی، یک مفهوم نظری است که برای بررسی فعالیت‌های دیپلماسی عمومی سازمان‌های مردم‌نهاد، گروه‌ها و افرادی که دیپلماسی عمومی را در ورای مرزهای ملی به کار می‌برند، طراحی شده است. این بازیگران معمولاً شبکه‌های خبری جهانی و رقابت رسانه‌ای را به‌منظور کسب حمایت برای اهداف‌شان به کار می‌برند. (گیلبوا، ۲۰۰۸: ۷۳)

در این الگو کشور کاربر دیپلماسی عمومی سعی می‌کند با بهره‌گیری از گروه‌ها و انجمن‌های درون یک کشور و نهادهای بین‌المللی به دنبال پیگیری اغراض خود از طریق رابطه‌سازی است. از سوی دیگر گروه غیردولتی نیز به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست‌های کشور خارجی است تا مقاصد داخلی خود را کسب نماید (نکویی، ۱۳۹۰: ۴۹).

یکی از ویژگی‌ها و لوازم موفقیت این مدل عبارتند از مخفی ماندن دست دولت‌ها در فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی است به نحوی که دولت‌ها حداکثر در زمینه‌ی تعیین اهداف و برنامه‌ریزی وارد می‌شوند و دخالتی در اجرا ندارند. دوم این که در این مدل نباید بین اهداف



و راهبردهای سازمان یا نهاد دخیل در دیپلماسی فرهنگی با اهداف و راهبردهای دولت کاربر تعارض وجود داشته باشد. در آخر این که دولت‌ها در این مدل اگر چه سطحی از آزادی عمل را به نهاد مربوطه می‌دهند اما برای حرکت در مسیر طراحی شده، مکانیزم‌های نظارتی جدی اعمال می‌کنند.

۱-۳-۳. مدل روابط عمومی داخلی

در مدل جنگ سرد، یک حکومت، ابزارهای ارتباطی خویش مثل ایستگاه‌های رادیویی را برای هدایت دیپلماسی عمومی به کار می‌برد اما در مدل روابط عمومی داخلی، یک حکومت، شرکت‌های روابط عمومی یا لابی‌گرانی را در کشور هدف برای رسیدن به اهدافش به کار می‌گیرد. حکومتی که مدل روابط عمومی داخلی را ترجیح می‌دهد، معتقد است این روش از دیپلماسی مستقیم حمایت شده از طرف دولت مؤثرتر است و همچنین ایجاد یک گروه محلی یا جنبش در کشور هدف، می‌تواند مشروعیت و اصالت مبارزه را تقویت کند. یک شرکت روابط عمومی محلی، بهتر می‌داند که چگونه می‌توان به اهداف خواسته شده در بافت سیاسی و فرهنگی داده شده رسید؛ هم‌چنین نقاط ضعف موقعیت حکومت ذی‌نفع در مبارزه را تشخیص می‌دهد و می‌تواند به‌طور مؤثر آن‌ها را پوشش‌دهی و جبران نماید. یک مورد شناخته شده از این مدل در طول بحران خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) دیده می‌شود که سلطنت در تبعید کویت به‌منظور تضمین حمایت‌های مردم، کنگره و رسانه‌های آمریکا برای جنگ علیه صدام، شرکت روابط عمومی هیل و نولتون را به خدمت گرفت. این سه مدل می‌توانند دگرگونی مهمی را در درک فعالیت‌های دیپلماسی عمومی نشان دهند (گیلبوا، ۲۰۰۸: ۷۳).

هر کدام از سه مدل پیامدهای مهمی برای حکومت، رسانه و افکار عمومی دارد. کاربرد سیستماتیک مدل‌ها می‌تواند به معتبر شدن بیشتر آن‌ها کمک کرده و آگاهی برای اداره کردن دیپلماسی عمومی را در موقعیت‌های مختلف ایجاد کند (گیلبوا، ۲۰۰۸: ۷۳).

۲. نقش مذهب در دیپلماسی فرهنگی عربستان

سیاست خارجی عربستان نشان می‌دهد که زمامداران این کشور به دنبال آنند تا با ارائه ظاهری اسلامی از خود، رهبری جهان اسلام را به دست گیرند. سعودی‌ها مدعی‌اند که این کشور دارای علایق ایدئولوژیکی برای نشر اسلام و دفاع از آن با اتخاذ روش‌های غیرانقلابی در جهان است. از این رو می‌توان ادعان داشت که هدف اولیه سیاست خارجی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۱۰

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱



عربستان، گسترش نفوذ این کشور در میان ممالک اسلامی و به دست گرفتن نقش رهبری آن‌هاست. اعمال نفوذ در کشورهای عربی و تحکیم جایگاه سیاسی خود در میان این دسته از کشورها به‌ویژه همسایگان، رویه‌ی دیگر سیاست خارجی ریاض محسوب می‌شود، چرا که عربستان سعودی به‌عنوان جزئی از جهان عرب از نظر سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را به آن وابسته می‌داند. هم‌چنین نزدیکی و هم‌مرز بودن با کشورهای عربی خلیج فارس از نظر امنیتی و حفظ رژیم سیاسی کشورهای مزبور مورد توجه این کشور است، به‌علاوه وابستگی به مجموعه کشورهای اسلامی رکن سیاست خارجی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۲۲۲).

کاظمی معتقد است: «ابزارهایی چون تطمیع، سیاست نفتی و سیاست ریالی در کنار تبلیغات و اهرم مذهبی از مهم‌ترین ابزارهای پیشبرد سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه پیرامونی این کشور به حساب می‌آید.» (کاظمی، ۱۳۹۲: ۴۶)

در واقع فضای استراتژیک سیاست خارجی عربستان از سه حلقه درون یکدیگر تشکیل شده است. دایره‌ی اول خلیج فارس است که قلب و عمق استراتژیک اقلیمی و منطقه‌ای سیاست خارجی سعودی محسوب می‌شود و این استراتژی را از طریق شورای همکاری خلیج فارس و روابط دوجانبه اعمال می‌کند. دایره‌ی دوم، دایره‌ی عربی که قلب و عمق استراتژیک قومی (عربی) سیاست خارجی این کشور تلقی می‌شود و این استراتژی را از طریق اتحادیه‌ی عرب و سازمان‌های وابسته به آن و روابط دوجانبه اعمال می‌کند. دایره‌ی سوم که قلب و عمق استراتژیک معنوی و روحی سیاست خارجی این کشور است را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهند. این کشور با استفاده از سازمان همکاری اسلامی و ده‌ها سازمان تخصص و وابسته به آن و سازمان‌های اسلامی - تبلیغاتی مانند رابطه العالم الاسلامی، سازمان دعوت اسلامی، سازمان حمایت از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی و چند سازمان دیگر و هم‌چنین از طریق سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن سیاست خود در منطقه را اعمال می‌کند (عظیمی، ۱۳۸۰: ۸۷).

سیاست خارجی عربستان در سطح بین‌المللی نیز تلاش می‌کند اتحاد راهبردی با آمریکا و ایفای نقش به‌عنوان قدرت منطقه‌ای عمل کند. این کشور با همین اتحاد تلاش می‌کند مقابل همسایگان قدرتمندتر خود در خاورمیانه، موازنه برقرار کند. راهبرد سعودی‌ها در سطح بین‌المللی زمانی که وارد تحلیل در سطح منطقه می‌شویم، مشکل‌زا می‌شود (گاس،

۱۳۹۰: ۳۷۰-۳۵۱). اتحاد با آمریکا در سطح بین‌المللی در داخل عربستان مشکل اساسی با ماهیت به هم تنیده حکومت شکل گرفته بر پایه‌ی مذهب در این کشور دارد. تأکید بر این که عربستان اسلامی‌ترین است باعث شده تا اتحاد با آمریکا برای این کشور به یک چالش مشروعیت مبدل شود. مدیریت این تناقضات است که سیاست خارجی این کشور را محتاط بارآورده و دولت ریاض کوشیده است بین نقاط تناقض‌آمیز، مصالحه ایجاد کند و هر جا از ایجاد مصالحه ناتوان بوده به انتخاب صریح روی آورد (گاس، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

ارتباط عربستان با کشورهای منطقه و استفاده از گروه‌های سلفی که غالباً وابسته به سازمان‌های مذهبی فراملی عربستان در خارج از این کشور هستند نشان می‌دهد که در وهله اول عربستان برای ایجاد ائتلاف و دوستی راهبردی بدون توجه به ملاحظات ایدئولوژیک اقدام می‌کند. به عنوان نمونه عربستان به همراه مجموعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در راستای تقویت رابطه با ترکیه به عنوان گزینه‌ای که بتواند با ورود به تحولات منطقه توازن گذشته را در مقابل ایران احیا کند. این در حالی است که حکومت ترکیه یک حکومت لائیک است و دولت این کشور نیز با یک انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده است که خود را داعیه‌دار دموکراسی غربی در منطقه می‌داند و این در شرایطی است که حکومت ریاض در تضاد کامل با دموکراسی غربی در منطقه به عنوان یک مدل حکومتی است و خود سردمدار حمایت از حکومت‌های سلطنتی و سنتی در منطقه است ولی مسأله مهار ایران دو کشور را در تحولات منطقه از جمله مسأله بحرین و بحرین سوریه و اخیراً پرونده عراق در کنار هم قرار داده است. نوع ارتباط عربستان با گروه‌های تندرو با ریشه‌های سلفی و وهابی در منطقه نیز بر همین منطق استوار است که ریاض با استفاده تاکتیکی از آن‌ها در بحرین‌ها و تحولات در راستای منافع خود در مواقعی همچون پس از ۱۱ سپتامبر حاضر نشد برای حمایت از این گروه‌ها که از نظر ایدئولوژیک به آن نزدیک هستند روابط راهبردی با واشنگتن را از بین ببرد (کاظمی، ۱۳۹۲: ۷۱).

بر مبنای موارد پیش گفته در مورد دیپلماسی عربستان، این کشور به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس و غرب آسیا، تلاش‌های زیادی را در راستای دیپلماسی فرهنگی انجام داده است. برنامه‌های مبادله دانشگاهی، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی در دیگر کشورها و غیره از این نمونه هستند. با این حال به‌طور سنتی دین و به شکل ویژه ترویج تفکر وهابیت در فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی این کشور، نقش پررنگی داشته است. در



واقع دین و مذهب همواره عنصر تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور بوده است. بنابراین مجموعه‌ای از عوامل و شرایطی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد باعث شده است تا الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی، الگویی غالب باشد. به عبارت دیگر بنا به چارچوب نظری پیش‌گفته، عربستان از بین ابزارها و امکانات مختلف دیپلماسی فرهنگی، روی ارتباطات دینی در سطح رهبران و مردم و همچنین استفاده از چارچوب سازمان‌های غیردولتی در این راستا سرمایه‌گذاری عمده‌ای انجام داده است. در واقع دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی با تلاش این کشور برای گسترش نگاه متصلب و سخت این کشور به اسلام عجین شده است. نفوذی که تلاش می‌کند سنت‌ها و اعمال سنتی اسلام در کشورها را دگرگون کند (توماس، ۲۰۱۰: ۱۰۰).

عربستان سعودی فعالیت‌های زیادی را در راستای استفاده از دین در جهت دیپلماسی فرهنگی انجام داده است. یکی از اقدامات اخیر عربستان در چارچوب دیپلماسی مذهبی این کشور را باید افتتاح «مرکز بین‌المللی گفتگوی ادیان شاه عبدالله بن عبدالعزيز»^۳، که همه‌ی هزینه‌های آن توسط عربستان سعودی تأمین می‌شود، اشاره کرد. پایه‌گذاران این مرکز هدف و مسئولیت اصلی آن را ایفای نقش به‌عنوان کانونی برای تسهیل تعاملات میان ادیان و گفتگوی منطقی و درک متقابل، گسترش روابط، پذیرش تفاوت‌ها و احترام به عدالت و آزادی معرفی کرده‌اند. این مرکز که در وین اتریش افتتاح شده است، دارای یک هیأت مدیره ۹ نفره با حضور نمایندگان از ادیان اسلام، یهود، مسیحیت، هندو و بودایی است (پایگاه اینترنتی شفقنا، ۱۳۹۱).

رئیس سابق سازمان سیا؛ جیمز ولزی ۴ تخمین می‌زند که دولت عربستان از اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰، حدود ۹۰ میلیارد دلار را برای صادر کردن ایدئولوژی خود به کشورهای مسلمان و غیرمسلمان هزینه کرده است (نوویکو، ۲۰۰۵: ۱).

عربستان از طریق بانک توسعه اسلامی ۷۷ میلیارد ریال به ۳۵ کشور اسلامی و عربی کمک کرد که بعد از آمریکا، دومین رتبه را در کمک‌رسانی به کشورهای عربی اسلامی دارد. این کشور بین ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ میلادی بیش از دو میلیارد و هفتصد میلیون ریال سعودی در بوسنی و هرزگوین هزینه کرده است. ۸۷۷ مدرسه تحت کفالت آن‌هاست و ۱۵۰ مسجد ترمیم و تجهیز شده است. سه میلیون ریال سعودی کتاب به آن‌جا فرستاده و ۶۴ دوره‌ی آموزش زبان عربی برگزار شده است. در کنفرانس جهانی که برای بررسی تلاش‌های

عربستان در ترویج اسلام در سال ۲۰۱۰ برگزار شد، گفته شد که در طول سه دهه اخیر، عربستان ۳۷۵ میلیارد ریال سعودی برابر با ۱۰۰ میلیارد دلار به ۹۵ کشور در حال توسعه کمک کرده است. این پول برابر چهار درصد سود ناخالص ملی این کشور است (پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت شناسی، ۱۳۹۰).

سعودی‌ها هم‌چنین فعالیت‌های زیادی را در بخش پژوهشی و دانشگاهی برای ترویج وهابیت انجام می‌دهند. فرقه وهابیت تعدادی از دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی در عربستان را اداره می‌کند. از بین دانشگاه‌های هفت‌گانه‌ی عربستان، سه دانشگاه بزرگ برای آموزش و پژوهش در علوم اسلامی و عربی به وجود آمد: «دانشگاه اسلامی» ۵ در مدینه منوره، «دانشگاه اسلامی محمد بن سعود» ۶ در ریاض، «دانشگاه ام‌القری» ۷ در مکه مکرمه. هم‌چنین می‌توان به مجمع عمومی دانشجویان مسلمان جهان که مرکز آن در عربستان قرار دارد و اساس کارش را جذب دانشجویان و طبقه جوان کشورهای اسلامی قرار داده است، اشاره کرد. نشریه‌ی هفتگی این مجمع سیمای اسلام نام دارد.

یکی از دانشکده‌های اساسی در دانشگاه‌های علوم اسلامی عربستان، «دانشکده تبلیغات اسلامی» ۸ است که به امور محتوایی و روش‌های تبلیغات می‌پردازد. بیش از ده هزار طلبه دینی از این دانشکده‌ها در سطح کارشناسی ارشد و دکترا فارغ‌التحصیل و در این امر متمرکز شده‌اند. هم‌چنین با تأسیس وزارت «الشؤون الاسلامیه و الاوقاف و الدعوه و الارشاد»، سیاست‌گذاری تبلیغ سلفیت در سراسر جهان و داخل عربستان به صورت جدی پیگیری می‌شود (پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت شناسی، ۱۳۹۰).

در مورد عوامل مؤثر بر تمرکز عربستان سعودی روی الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی، دلایل زیر را می‌توان ذکر کرد:

۱-۲. قرار گرفتن حرمین شریفین در عربستان

از مهم‌ترین عوامل مؤثر در سیاست خارجی این کشور وجود حرمین شریفین است، این دو مکان مقدس، عربستان سعودی را در موقعیتی ویژه قرار داده است. رژیم عربستان می‌کوشد تا برای خود با توجه به قرار گرفتن حرمین شریفین و داعیه رهبری جهان اسلام و تأسیس سازمان همکاری اسلامی که تاکنون قانون فعالیت‌های اصلی آن در عربستان بوده، موجب شده تا این آرزو و آرمان آل سعود تقویت شود و دلارهای نفتی نیز زمینه‌ساز تحکیم این موقعیت گردد (زراعت‌پیشه، ۱۳۸۴: ۲۲۸-۲۲۷). اولین عاملی که باعث پررنگ شدن بعد



مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی شده است، قرار گرفتن حرمین شریفین در قلمروی این کشور است. مسجد الحرام به عنوان کعبه‌ی مسلمانان و مرقد پیامبر اسلام (ص) در طول تاریخ اسلام، کانون توجه مسلمین جهان بوده‌اند. به علاوه مسأله برگزاری مراسم حج و عمره‌ی مفرده یکی از زمینه‌های جاری برای این کشور در جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی دنیای اسلام را به وجود آورده است. موضوع حج از اهمیت بالایی نزد مسلمانان دنیای اسلام و همچنین مسئولان سیاسی - مذهبی این کشور برخوردار است. نحوه‌ی تعامل این کشور در مورد مراسم حج، موضوع «دیپلماسی حج» را در مورد عربستان سعودی به وجود آورده است که در ارتباط مستقیم با سیاست خارجی این کشور است.

۲-۲. درهم آمیختگی مذهب با هویت عربستانی‌ها

یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی عربستان درهم تنیدگی کامل دین با ابعاد هویتی جامعه است. سعودی‌ها قانون اساسی خود را قرآن کریم می‌دانند. در واقع تلقی خاص عربستانی‌ها از دین بر تمام ابعاد رفتاری آن‌ها از قوانین داخلی این کشور تا رفتار سیاست خارجی حاکم است. اصولاً در تلقی و ذهنیت یک عرب اصیل، خصوصاً چادر نشینان، اسلام و عربیت پیوندی عمیق و ناگسستنی دارند. برای آن‌ها نه اسلام بدون عربیت قابل تصور است و نه عربیت بدون اسلام و حتی باید گفت در اندیشه‌ی او این دو یک واقعیت‌اند. از این رو یک عرب خلیج فارسی به همان ترتیب که عرب است و وابسته به عربیت و مغرور و مفتخر به آن، به همان گونه مسلمان هم هست و وابسته به اسلام و مغرور و مفتخر به آن. دین در این جوامع هسته‌ی مرکزی هویت عربی و قبیله‌ای و شخصیت فردی آنان را تشکیل می‌دهد و این سابقه‌ای به طول تاریخ اسلام دارد (مسجد جامع‌ی، ۱۳۶۹: ۶۷-۶۶). بنابراین می‌توان گفت تفکر وهابیت به طور کامل با دیپلماسی و سیاست خارجی عربستان سعودی و از جمله دیپلماسی فرهنگی این کشور عجین شده است.

۲-۳. زمینه‌ی تاریخی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در رفتار دینی دیپلماسی فرهنگی عربستان، حوادث سیاسی پس از تشکیل حکومت آل سعود است. در واقع با کشف نفت و دستیابی عربستان به ثروت عظیم حاصل از آن، این کشور و دیگر کشورهای عرب خلیج فارس به طور جدی مورد توجه نگاه‌های جهانی قرار گرفتند.

با شکست ناصر و به ویژه پس از مرگ او مرکز ثقل دنیای عرب به تدریج به سوی عربستان

و کرانه‌های خلیج فارس چرخیدن گرفت. ناصر صحنه را ترک گفت و جاذبه‌ی جدیدی هم در سطح رهبری جهان عرب وجود نداشت. هم رهبران ترقی‌خواه موجود که به قومیت عربی و سوسیالیسم ناصری وفادار بودند چون بومدین، قذافی و اسد امکانات و جاذبه‌ی ناصر را نداشتند و هم اساساً سوسیالیسم عرب از نفس افتاده بود. افکار عمومی اعراب از این به بعد بیشتر متوجه عربیسمی بود که به عناصر دینی بیشتر تکیه زد. بنابراین به دلیل تأکید بیشتر عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس بر اسلام در زمانه‌ای که این طرز تفکر جاذبه‌ی بیشتری داشت، باعث اهمیت یافتن این کشورها در افکار عمومی جهانیان شد (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ۸۴).

از سوی دیگر فرهنگ و هویت قبیله‌ای عربستانی‌ها در دنیای جدیدی که آن‌ها قصد ورود به آن را داشتند، از احترام بالایی برخوردار نبود و چندان قابلیت عرضه در خارج از کشور را نداشت. بنابراین تأکید بر عنصر دینی می‌توانست به صورت یک جایگزین جدی مطرح باشد. در مجموع تحولات این دوره منجر به آن شد که اعراب خلیج فارس و از همه مهم‌تر عربستان سعودی بهتر از سایر اعراب معرف و نماینده‌ی تمدن عربی و اسلامی شناخته شوند. عربستانی‌ها و دیگر اعراب خلیج فارس نیز از این موضوع استقبال کردند و این مایه‌ی خوشحالی آن‌ها بود. در واقع تمسک ظاهری آن‌ها به دین و هزینه‌هایی که در راه تأسیس و توسعه‌ی مؤسسات تبلیغی و تحقیقی اسلامی در خارج از کشور خرج می‌کنند نیز تا حدودی به همین علت است (مسجدجامعی، ۱۳۶۹: ۷۹-۷۸).

۲-۴. رقابت‌های سیاسی

رفتار عربستان سعودی در حمایت از گسترش وهابیت کاملاً در راستای منافع سیاسی این کشور قرار دارد. این موضوع هم از نظر سیاست داخلی و هم سیاست خارجی برای سران این کشور اهمیت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر عربستان با ترویج وهابیت در واقع دو هدف سیاسی یکی در درون مرزهای خود و دیگری در خارج از کشور را دنبال می‌کند.

در بعد خارجی، فعالیت‌های حمایتی و تبلیغی عربستان سعودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به شدت افزایش پیدا کرد. هدف اصلی این حمایت مستقیم مالی و ایدئولوژیک برای گسترش وهابیت، مقابله با نفوذ تفکر شیعی در جهان اسلام بود. این نگرانی آن‌ها یکی از وسیع‌ترین نبردهای تبلیغی تاریخ را رقم زد (نوویکو، ۲۰۰۵: ۱). انقلاب اسلامی به دلایل متعددی زمینه‌های تعارض بین ایران انقلابی و کشورهای محافظه‌کار منطقه از جمله عربستان را



پدید آورد. دلیل اول این موضوع به مستقر شدن نخستین دولت اسلامی در منطقه و به چالش طلبیدن اسلام محافظه کار عربستان برمی گشت. دلیل دوم نیز تغییر دیدگاه ایران به طور بنیادین در مورد نظم سیاسی منطقه بود که میزان مشروعیت اسلامی نظام ها را میزان استقلال آن ها از قدرت های استعماری می سنجید (روشندل و سیف زاده، ۱۳: ۱۲۵).

از نظر داخلی نیز سعودی ها در صدد بازیابی اعتبار آسیب دیده ی خود پس از قیام ححیمان بودند. این قیام اگر چه ارتباطی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران نداشت اما تقریباً با آن هم زمان شده بود. در این قیام گروهی از وهابیون متعصب در اعتراض به نادیده گرفته شدن مذهب در پادشاهی عربستان و فساد حاکم بر این کشور به رهبری ححیمان العتیبی، دست به قیام مسلحانه زدند.

قیام عتیبی و دلهره ی ناشی از تکرار آن به همراه فشار افکار عمومی دنیای اسلام در جهت تطبیق شریعت، سعودی ها را برانگیخت تا برای نجات خود به عنصر مذهبی تأکید ورزند. به این ترتیب وهابیت با قدرت و امکانات بیشتری سر برآورد و تجدید سازمان کرد و برای سد هر نفوذی از ایران و منزوی ساختن شیعیان، عربستان سعودی به داعیه ی دفاع از اسلام و مبارزه ی با رفس و بدعت و انحراف از سنت، به فروکوبیدن تشیع و سمپاتی علیه آن پرداخت. حال آن که وهابیت اهداف دیگری را هم تعقیب می کرد و آن فروکوبیدن هر نوع اندیشه اسلامی - انقلابی بود تحت عنوان تطرف دینی و این که متطرفین از سنت پیامبر و سیره ی سلف صالح عدول کرده و تحت تاثیر القائنات شیعیان قرار دارند. حال آن ها هر مقدار در انتقاد از تشیع و انحرافی نشان دادن آن توفیق می یافتند و به پیش می رفتند، به همان میزان در متهم ساختن مسلمانان مبارز هم موفق بودند (مسجد جامعی، ۱۳۶۹: ۱۵۲).

بنابراین مجموعه ی عوامل ذکر شده منجر به این شده است که ترویج نگاه خاص وهابیت به اسلام، از اهمیت خاصی برخوردار باشد. عربستان سعودی از ابزارهای گوناگونی برای این منظور استفاده می کند. یکی از این ابزارها، دانشگاه ها و مؤسسات علمی تربیت مبلغ است.

همان طور که گفته شد مؤسسات و نهادهای دانشگاهی و پژوهشی گوناگونی در راستای اهداف دیپلماسی فرهنگی عربستان فعال هستند. با این حال سازمان «رابطه العالم الاسلامی» از نقش ویژه ای در دیپلماسی فرهنگی این کشور برخوردار است. تا آن جا که دانشگاه ها و مؤسساتی که نام آن ها پیش از این ذکر شدند، به نوعی بازوی کمکی برای اجرای فعالیت های

رابطه العالم الاسلامی هستند و تربیت مبلغان و تولید محتوی تبلیغی مورد نیاز این سازمان را به عهده دارند. در ادامه‌ی مقاله ضمن بررسی ساختار و دفاتر این سازمان، فعالیت‌ها و راهبردهای تبلیغی آن بررسی خواهد شد.

۳. سازمان رابطه العالم الاسلامی؛ ساختار و فعالیت‌ها

رابطه العالم الاسلامی به موجب مصوبه صادره از کنفرانس اسلامی شهر مکه در سال ۱۹۶۲ میلادی پدید آمد. در اساسنامه‌ی آن آمده است، این مؤسسه سازمانی است اسلامی، جهانی، مردمی و غیرحکومتی که دبیرخانه و مقر آن در شهر مکه قرار دارد (وب سایت رابطه العالم الاسلامی، ۱۳۹۲).

سازمان رابطه العالم الاسلامی در واقع یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین مؤسسات بین‌المللی جهان اسلام است و یکی از اهداف نانوشته از این سازمان در زمان تأسیس، مشروعیت بخشی به رژیم سعودی از طریق جهانی کردن وهابیت به‌ویژه مقابله با موج ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر بود. اولین جرعه تأسیس این سازمان در سال ۱۹۶۱ میلادی در جریان تشکیل اولین اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در مکه زده شد و قرار شد بیشتر بودجه‌ی مورد نیاز آن از سوی دولت عربستان تأمین شود. پس از گذشت یک سال این سازمان رسماً تأسیس شد. در اساس‌نامه این سازمان، هدف از تأسیس آن، تبلیغ دین اسلام و شرح مبانی آن و مقابله با شبهات وارد شده، دفاع از مسائل و مواضع اسلام و ارائه خدمات اسلامی در زمینه مسائل تربیتی، آموزشی، فرهنگی و بهداشتی عنوان شده است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۶).

رابطه العالم الاسلامی که از حمایت‌های همه‌جانبه دولت عربستان برخوردار است، از طریق برگزاری همایش‌های بین‌المللی و حضور در اجلاس‌های بین‌المللی جهان اسلام و نیز عضویت در سازمان‌های بین‌المللی فعالیت چشمگیری دارد. هم‌چنین رابطه العالم الاسلامی در سازمان‌های بین‌المللی زیر نماینده دارد:

۱. سازمان ملل متحد، به‌عنوان عضو ناظر درجه اول و نیز در میان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مشورتی و شوراهای اقتصادی و اجتماعی عضو ناظر دارد.
۲. در سازمان تربیت و آموزش و فرهنگ (یونسکو)، به‌عنوان عضو
۳. صندوق جهانی کودک در سازمان ملل متحد (یونیسف)، به‌عنوان عضو



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۱۸

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

۴. سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان ناظر که در تمام کنفرانس‌ها، مثل کنفرانس سران و وزرای خارجه دول اسلامی شرکت می‌کند (آیین‌ه‌وند، ۱۳۷۸: ۱۹۵).

رابطه العالم الاسلامی با سازمان‌های مهم بین‌المللی دیگر و با واتیکان در زمینه‌ی حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان، کمیسیون مشترک دارد و در شورای محلی مسلمانان در کشورهای اروپایی مانند فرانسه، انگلیس، آلمان و اسپانیا حضور فعال دارد. این سازمان هم‌چنین برای تحقق اهداف تبلیغی خود از انواع وسایل اطلاع‌رسانی بهره می‌گیرد که از آن جمله می‌توان از روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون، ماهواره، اینترنت، نشر و توزیع کتاب، مشارکت در همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی و حضور فعال در برنامه‌های تبلیغی موسوم حج نام برد.

برخی از نشریات منظم این سازمان عبارتند از: هفته‌نامه «العالم الاسلامی» با سردبیری عبدالنضار مصطفی، ماهنامه «الرابطه» به زبان‌های عربی و انگلیسی، ماهنامه انگلیسی زبان به نام The Muslim World League Journal، مجموعه ماهیانه به نام «دعوه الحق»، مجله نیم سالانه «المجمع الفقهی الاسلامی»، ماهنامه «الاعانه»، مجله «الاعجاز العلمی فی القرآن و السنه» (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۶).

۳-۱. ساختار و فعالیت‌های رابطه العالم الاسلامی

سازمان از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است، مهم‌ترین بخش‌های آن عبارتند از: شورای مؤسسان، اداره امور قرآن کریم، شورای عالی جهانی مساجد، دانش‌سرای ائمه جماعات و مبلغان، مجمع فقه الاسلامی، مؤسسه بین‌المللی کمک‌رسانی، دبیرخانه (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۷).

۱. شورای مؤسسان: این شورا متشکل از ده‌ها تن از علمای دینی و مبلغان است که سالانه تشکیل جلسه می‌دهند و در آن اوضاع جهان اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. گزارش‌های رسیده از سوی دفاتر و مراکز رابطه در این جلسه مورد ارزیابی و تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت.

۲. دانش‌سرای ائمه جماعات و مبلغان: این دانش‌سرا در مکه مکرمه و به منظور تربیت مبلغ و ائمه جماعات تأسیس شده است. این دانش‌سرا از بخش‌های فعال رابطه است و در حال حاضر فارغ‌التحصیلان آن در بسیاری از کشورهای عربی، آفریقایی، اروپایی و آمریکایی به تبلیغ و تدوین و یا امامت مشغول هستند. در زمینه تربیت نیروی انسانی و تربیت مبلغ،





این سازمان مرکزی را به نام «مهد الائمہ و الدعاء» یا آموزشگاه ائمہ جماعات و مبلغان در مکه مکرمه تأسیس نموده است که فارغ التحصیلان آن عمدتاً از مسلمانان دیگر کشورها به ویژه کشورهای آفریقایی هستند. این افراد بعد از اتمام مراحل تحصیلی به عنوان امام جماعت و مبلغ دینی در کشورهای خود فعالیت خواهند کرد. طبق اطلاعات و آمار رابطه العالم الاسلامی در حال حاضر بیش از ۱۱۰۰ نفر مبلغ از طرف این سازمان در خارج از عربستان مشغول به فعالیت می باشند و اضافه بر آن هیئت هایی به صورت دوره ای از سوی این سازمان برای بررسی وضعیت اقلیت های مسلمان به کشورهای مختلف اعزام می شوند (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۷).

آنچه که در فعالیت های تبلیغی این سازمان به چشم می خورد، بهره گیری از آخرین اطلاعات روز در تبلیغات است. رابطه العالم الاسلامی همواره سعی کرده است تا با ایجاد تغییر و تحول در روش های تبلیغی، به ایجاد ارتباط با همه مسلمانان و با رعایت عدم دخالت در امور داخلی کشورها بپردازد. این سازمان جهت اشراف بر فعالیت مبلغان و مدرسان، تنظیم دوره های آموزشی مبلغان و ائمہ جماعات، ایجاد جلسات سخنرانی، کنفرانس ها، همایش ها، تهیه برنامه های دینی و توزیع قرآن کریم، کتب دینی و پاسخگویی به پرسش ها، تاکنون ۳۵ دفتر نمایندگی در سراسر جهان تأسیس کرده است که باید به این تعداد ۱۲ مرکز اسلامی را نیز اضافه نماییم که تحت پوشش رابطه العالم قرار دارند. برگزاری دوره های تکمیلی تبلیغ برای مبلغان، ائمہ جماعات، خطباء، اعطای گواهی نامه مربوطه و جذب دانشجویان مستعد از طریق اعطای ۹۰۰ بورس تحصیلی در ۶۴ رشته و تخصص های گوناگون در ۳۴ کشور جهان و به ۶۳ ملیت مختلف از دیگر راه های تبلیغی این سازمان به شمار می رود (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۷).

۳. اداره امور قرآن کریم: این بخش با انگیزه نشر قرآن کریم از طریق آموزش، حفظ و ترجمه ایجاد شده است و از اهداف آن کمک به مدارس قرآن کریم در سراسر جهان و تهیه ترجمه های قرآن کریم و جلوگیری از اسائه ادب به ساحت مقدس قرآن کریم می باشد.

۴. شورای عالی جهانی مساجد: یکی از بخش های وابسته به رابطه العالم الاسلامی شورای عالی جهانی مساجد است که با هدف رسیدگی به امور مساجد در سراسر جهان تأسیس شده است. ساخت مساجد، تأسیس کتابخانه، اصلاح و تعمیر مساجد، اهدای فرش به مساجد و حمایت از ائمہ مساجد از اهم وظایف این شورا است. این شورا ۳۳ نفر عضو



دارد و هدف آن، احیای رسالت مساجد، حفظ مساجد از تعدی، تخریب و کمک به مساجد جهان اعلام شده است. حمایت‌های دولت عربستان به میزان میلیون‌ها دلار به این شورا قابل توجه است.

این شورا دارای چند دفتر و شعبه در کشورهای دیگر است. از مهم‌ترین اعضای این شورا می‌توان از مفتی عربستان، وزیر امور اسلامی عربستان و دبیرکل رابطه العالم الاسلامی نام برد. در این شورا نمایندگانی از علمای کشورهای فیلیپین، آلبانی، پاکستانی، موریتانی، آمریکا، بنگلادش، تونس، افغانستان، قطر، سنگاپور، اسپانیا، لبنان، اردن، مراکش، کویت، ترکیه، ژاپن، مالدیو و الجزایر عضو هستند (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۷).

۵. مؤسسه بین‌المللی کمک‌رسانی: شورای مؤسسان رابطه العالم الاسلامی با هدف کمک‌رسانی به مسلمانان در سراسر جهان، تأسیس «هیئة الاغاثة الاسلامیه العالمیه» را اعلام کرد. این مؤسسه جدید در واقع نوعی تبلیغ از طریق حمایت و کمک مادی به مسلمانان در نقاط بحران‌زده است. برای نمونه می‌توان به کمک‌های این مؤسسه به مردم افغانستان، چین و بوسنی و هرزگوین اشاره نمود. دبیرکل این مؤسسه دکتر خلیل باشا و محل استقرار دبیرخانه شهر جدّه است. این نهاد در بسیاری از کشورهای جهانی نمایندگی دارد و اساس در کنار کمک‌های امدادی خود به فعالیت‌های تبلیغی نیز می‌پردازد.

برطبق آمار منتشر شده از سوی رابطه العالم الاسلامی، مؤسسه بین‌المللی کمک‌رسانی طی سال‌های گذشته هزاران بی‌سرپرست را در کشورهای مختلف تحت تکفل خود قرار داده است و برنامه‌های مختلف بهداشتی، درمانی، فرهنگی و آموزشی برای آن‌ها به اجرا گذاشته است. از دیگر فعالیت‌های این نهاد، توزیع مواد غذایی بین پناهندگان فلسطینی و کمک به مسلمانان پاکستان، بنگلادش، اندونزی، کردستان عراق و نقاط دیگر بوده است. هم‌چنین در غرب آفریقا اقدام به ساخت ۳۷۴ مسجد، حفر ۱۱۶ حلقه چاه، کفالت ۸۴ معلم و اعطای بورس تحصیلی به ۹۰ دانشجو و تحت تکفل درآوردن ۷۰۰۰ یتیم در کشور بورکینافاسو، ساحل عاج، سنگال، سیرالئون، گامبیا، گینه، موریتانی و برخی نقاط دیگر بوده است (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۷).

۶. مجمع فقه اسلامی: این مجمع با تصویب شورای مؤسسان رابطه العالم الاسلامی با هدف ایجاد مرکزی جهت تحقیق در زمینه مسائل فقهی جدید و بیان حکم شریعت و بیان برتری فقه اسلامی بر قوانین وضع شده توسط بشر، حفظ و نشر میراث فقه اسلامی تأسیس



شده است. این مجمع علاوه بر رییس و نائب رییس ۱۴ عضو از میان علما و فقها دارد. البته در عربستان یک مجمع بین المللی فقه اسلامی به عنوان یک نهاد وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی نیز فعالیت می کند که اعضای آن از بین علمای کشورهای مختلف تعیین شده است و دبیر کل آن دکتر حبیب بین خوجه می باشد و این دو مجمع در واقع دو سازمان جداگانه هستند.

۷. مؤسسه اعجاز علمی قرآن و سنت: این مؤسسه بنا به توصیه شورای عالی مساجد جهان در سال ۱۴۰۲ هجری تأسیس گردید. سپس شورای مزبور، طرح ایجاد مؤسسه اعجاز علمی قرآن و سنت را به دبیرخانه رابطه العالم جهت بررسی و تصویب ارائه داد و در یازدهمین نشست خود در سال ۱۴۰۶ هجری این طرح را مورد تصویب قرار داد و مبلغ یک میلیون ریال از صندوق شورای مساجد جهت حمایت و راه اندازی مؤسسه اعجاز اختصاص داده شد. اهدافی که مؤسسه اعجاز علمی قرآن و سنت پیگیری می کند عبارتند از: کشف و پرده برداری از چهره‌ی معانی دقیق آیات کریمه و احادیث که به نوعی با علوم پیوند می خورند، رنگ آمیزی علوم مربوط به عالم وجود با صبغه‌ی ایمانی و نفوذ بخشیدن مضامین بحث‌ها و کاوش‌های علمی موثق در روش‌های تعلیم و غیره (حجتی، بدون تاریخ: ۲۰۰-۱۹۹).

۸. دبیرخانه: دبیرخانه به عنوان قوه‌ی اجرایی این سازمان است و مقر آن در مکه قرار دارد. دبیر کل که در واقع عالی ترین مقام اداری این سازمان است توسط شورای موسسان انتخاب می شود (مسجد جامعی، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

قابل ذکر است دفاتر نمایندگی رابطه العالم الاسلامی در تهیه برنامه‌هایی با موضوعات اسلامی برای رادیو و تلویزیون‌های دولت میزبان شرکت می کند و علاوه بر این خود این دفاتر ساعاتی را از رادیو و تلویزیون اجاره کرده و به انجام امور تبلیغی می پردازند. از دیگر فعالیت‌های این دفاتر، کمک مادی و معنوی به مساجد، مدارس و جمعیت‌های اسلامی و استقبال از افراد تازه مسلمان است. هم چنین دفاتر نمایندگی رابطه العالم الاسلامی در کشورهای مختلف بر فعالیت مبلغین و وعاظ وابسته به این سازمان نظارت کامل دارند و با برگزاری دوره‌های آموزشی برای مبلغین و ائمه جماعات، دوره‌های آموزشی زبان عربی، توزیع کتب دینی و قرآن کریم و پاسخگویی به حملات و شبهات مختلف وارده به دین اسلام به فعالیت می پردازند.

دفاتر نمایندگی «رابطه العالم» که در حدود ۳۵ دفتر در نقاط مختلف دنیا نمایندگی دارد،

دارای تجهیزات و تشکیلات مجهزی است که این سازمان را به‌طور دائم در جریان امور مسلمانان در سراسر جهان قرار می‌دهد. این دفاتر از طرف دولت‌های محلی به رسمیت شناخته شده و از کلیه امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردارند. مهم‌ترین و بارزترین این دفاتر در لندن، نیویورک، پاریس، استرالیا، رم، مادرید، بروکسل، ژنو و برزیل قرار دارد (مطلبی، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

تبلیغ، برگزاری نماز جمعه، امامت جمعه، برگزاری همایش‌های علمی، جلسات مناظره با شخصیت‌ها، ارتباط با دانشجویان، آموزش زبان عربی، کلاس‌های آموزشی معارف اسلامی، تشکیل کتابخانه، اهداف کتب، توزیع نشریات، درج مقالات در مطبوعات، ارتباط با علما و روحانیون، توزیع قرآن کریم، اعزام افراد به حج و کمک‌های نقدی در ماه مبارک رمضان از اهم فعالیت این دفاتر و مراکز است.

در یک ارزیابی کلی به‌نظر می‌رسد بسیاری از اصول اعلامی رابطه العالم الاسلامی طبق آنچه در اساسنامه‌ی این سازمان آمده است با مدل سازمان‌های غیردولتی فراملی قرابت دارد.

۳-۲. ارزیابی کارآمدی رابطه العالم الاسلامی

راه‌های گوناگونی برای ارزیابی کارآمدی یا ناکارآمدی فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی وجود دارد. در مورد یک نهاد دیپلماسی فرهنگی یکی از این راه‌ها، مقایسه عملکرد و خروجی آن نهاد با اهداف اعلامی آن است. براساس چارچوب نظری مطرح شده و الگوی سه‌گانه گیل‌بوا، و آنچه از ساختار و اهداف اعلامی رابطه العالم الاسلامی بیان شد، همان‌طور که گفته شد به‌نظر می‌رسد این سازمان را می‌توان در دسته‌ی سازمان‌های غیردولتی فراملی جای داد. بنابراین برای سنجش کارآمدی و میزان موفقیت رابطه العالم الاسلامی، می‌توان خروجی عملکرد این سازمان را با لوازم و شروط مربوط به مدل غیردولتی فراملی انطباق داد. این کار در واقع به‌نوعی همان مقایسه عملکرد با اهداف اعلامی است.

در مورد ویژگی اول یعنی عدم دخالت دولت در مقام اجرای دیپلماسی فرهنگی و حداکثر برنامه‌ریزی کردن، باید گفت بررسی عملکرد این سازمان و بخش‌های متنوع آن که هر کدام وظیفه خاص خود را دارند، نشان می‌دهد که این سازمان به‌خوبی با این ویژگی منطبق است. به‌نحوی که ناظر بیرونی نمی‌تواند به راحتی رابطه العالم الاسلامی را یک نهاد وابسته به حکومت عربستان بداند. به‌عنوان نمونه می‌توان به عضویت نمایندگان از کشورهای مختلف اسلامی در بخش‌های مختلف سازمان از جمله در شورای عالی جهانی مساجد اشاره کرد که



در آن نمایندگانی از علمای کشورهای فیلیپین، آلبانی، پاکستان، موریتانی، آمریکا، بنگلادش، تونس، افغانستان، قطر، سنگاپور، اسپانیا، لبنان، اردن، مراکش، کویت، ترکیه، ژاپن، مالدیو و الجزایر حضور دارند (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: ۱۳۸۵). از طرف دیگر به نظر می‌رسد دولت عربستان به خوبی توانسته است دست خود را در پس فعالیت‌های این سازمان مخفی کند. پذیرش عضویت مستقل این سازمان در برخی از سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند شاهدهی بر این ادعا باشد. در مورد عدم تعارض بین اهداف دولت کاربر و نهاد دخیل، شواهد نشان می‌دهد در موارد بسیاری نه تنها این سازمان برخلاف اهداف سیاست خارجی عربستان عمل نکرده است، بلکه کاملاً در جهت آن اهداف بوده است. یکی از کارکرد اصلی این سازمان بعد از انقلاب اسلامی در ایران، شیعه‌ستیزی و مقابله موج انقلاب اسلامی بوده است که این کارکرد همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، دقیقاً منطبق با سیاست‌های دولت عربستان برای کنترل نفوذ ایران است. برای مثال اخوان‌کاسمی در مورد نقش این سازمان در آسیای مرکزی معتقد است: «نفوذ وهابیت در آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بسیار قابل ملاحظه است و اندیشه‌های وهابیت ابتدا توسط سازمان رابطه العالم الاسلامی که مرکز اصلی وهابیت شمرده می‌شود به منظور گسترش اندیشه‌های وهابی و جلوگیری از اشاعه‌ی اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران به آسیای مرکزی وارد شد.» (اخوان‌کاسمی و وصالی‌مزین، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۲)

در نهایت ویژگی چهارم مدل سازمان‌های غیردولتی فراملی، نظارت بیشینه‌ی دولت کاربر است. در این مورد این ویژگی می‌توان گفت عضویت مقامات دینی و در مواردی سیاسی عربستانی در مناصب مختلف این سازمان، این ویژگی را تأمین کرده است. هم‌چنین برآورده شدن بخش عمده بودجه‌ی آن توسط عربستان می‌تواند ابزار نظارتی خوبی برای دولت این کشور به حساب آید.

نتیجه‌گیری

ارتباط دین با دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های مذهبی در راستای اهداف دیپلماسی اگر چه سابقه دراز مدتی دارد، اما این موضوع در دهه‌ی اخیر و به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر اهمیت زیادی پیدا کرده است. عربستان سعودی یکی از کشورهایی است که ظرفیت‌های زیادی برای استفاده در جهت استفاده از الگوی دینی در دیپلماسی فرهنگی دارد. این



پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بود که چرا سازمان رابطه العالم الاسلامی به عنوان بازوی دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی کارآمد بوده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تکیه بر مذهب و ترویج وهابیت، کلیدی‌ترین عنصر در دیپلماسی فرهنگی عربستان سعودی است. به عبارت دیگر این کشور عمدتاً اهداف ایدئولوژیک را در فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی خود تعقیب می‌کند. عربستان برای بهره‌گیری از دین در جهت اهداف دیپلماسی فرهنگی خود، تلاش کرده است با حمایت مالی، لجستیکی و آموزشی از گروه‌های وهابی و بنیادگرا، این اندیشه را در جهان اسلام گسترش دهد.

در مورد اهمیت راهبرد مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان باید گفت تأثیرگذاری روی تصویر مسلمانان جهان از عربستان، به طور غیرمستقیم بر تصویر این کشور در کشورهای غیرمسلمان نیز اثرگذار بوده است. به عبارت دیگر موفقیت یا ناکامی عربستان در نفوذ روی افکار عمومی کشورهای اسلامی رابطه‌ی مستقیمی با جایگاه جهانی این کشور دارد.

در مقابل یکی از نقاط آسیب‌پذیر در دیپلماسی فرهنگی عربستان، متهم شدن نهادهای دینی وابسته به دولت عربستان به حمایت از گروه‌های تندروی اسلامی مانند القاعده است. این موضوع به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این موضوع موجب مخدوش شدن چهره‌ی این کشور در نزد افکار عمومی خارجی شده است، اگر چه مقامات سیاسی و مذهبی تلاش زیادی برای دور کردن این اتهام‌ها نسبت به خود کرده‌اند.

نکته‌ی مهمی که در مورد رابطه العالم الاسلامی وجود دارد این است که سران عربستان همواره در تبریته خود برای استفاده‌ی ابزاری از این سازمان کوشیده‌اند. اما شکی نیست که رابطه العالم منادی تفکرات وهابیت بوده است. اگر چه در اساسنامه آن ذکر شده که این سازمان بین‌المللی اسلامی برای ترویج پیام اسلام و تعلیم اصول و مبانی آن و مبارزه با توطئه‌های ضد اسلامی است و به هیچ کشوری تعلق ندارد، با این حال از آن جا که ۹۰ درصد بودجه‌ی این سازمان را عربستان تأمین می‌کند، سعودی‌ها در خوش‌بینانه‌ترین حالت منافع خود را از طریق این سازمان پیگیری می‌کنند. اما به هر حال موضوعی که از ناحیه‌ی دولت‌ها اتخاذ می‌شود با موضوعی که از طرف سازمان‌های علمی، سیاسی و مذهبی مستقل و غیروابسته به دولت اعلام می‌گردد از نظر ارزش و جایگاهی که در افکار عمومی برخوردارند، با یکدیگر فرق دارد. بنابراین رابطه العالم الاسلامی که در فعالیت‌های خود ادعای غیردولتی بودن دارد، می‌تواند از مزایای مستقل بودن استفاده کند.

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت رابطه العالم الاسلامی به نسبت توانسته است هویت دوگانه‌ی خود یعنی غیردولتی بودن و در عین حال ایفای نقش نیابتی از طرف دولت عربستان را به خوبی ایفا کند. به این ترتیب براساس مدل‌های سه گانه دیپلماسی عمومی گیلبوا، تطابق خروجی این سازمان با الزامات مدل سازمان‌های غیردولتی فراملی، باعث کارآمدی و توفیق نسبی این سازمان شده است.

یادداشت‌ها

- 1- Faith-based diplomacy
- 2- Eytan Gilboa
- 3- King Abdollah International Center for Interreligious Intercultural Dialogue (KAICIID)
- 4- James Woolsey

۵. الجامعة الاسلامیه

۶. جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه

۷. جامعه ام‌القری

۸. کلیه الدعوه



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۲۶

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

کتابنامه

- آیین‌وند، صادق (تابستان ۱۳۷۸)، «بازدید از رابطه العالم الاسلامی»، **میقات حج**، سال هفتم، شماره بیست و هشتم.
- الامانه العامه لرابطه العالم الاسلامی (۲۰۱۰)، «ملوک و شخصیات فی تاریخ رابطه العالم الاسلامی»، اداره العامه للموتمرات و المنظمات.
- پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت‌شناسی (۱۳۹۰)، «مرکز رابطه العالم الاسلامی چیست و در جهان چه می‌کند؟»، <<http://www.vahhabiyat.com/showdata.aspx?dataid=5498&siteid=1>> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۱/۸/۱۰)
- چاقمی، حسین (۱۳۹۰)، «دیپلماسی مبتنی بر ایمان»، <<http://tinyurl.com/l7vn9ys>> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۱/۹/۹)
- حجتی، محمدباقر (بهار ۱۳۷۷)، «از نگاهی دیگر: دیداری از رابطه العالم الاسلامی»، **میقات حج**، شماره ۲۳، ۲۰۸-۱۹۱.
- حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، **دوفصلنامه دانش سیاسی (ع)**، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، **فرهنگ دیپلماسی** (در آیین دیپلماسی فرهنگی)، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران.
- روشندل، جلیل، سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۴)، **تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس**، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دفتر سازمان‌های بین‌المللی (مرداد ۱۳۸۵)، «سازمان رابطه العالم الاسلامی در یک نگاه»، **مجله چشم انداز ارتباطات فرهنگی**، شماره ۲۵.
- صالحی امیری، سید رضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، **دیپلماسی فرهنگی**، تهران: انتشارات ققنوس.
- عطایی، فرهاد و منصوری مقدم، محمد (بهار ۱۳۹۲)، «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستر هویتی»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال پنجم، شماره اول، ۱۶۸-۱۳۳.
- عظیمی، رقیه‌السادات (۱۳۸۰)، **عربستان سعودی**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کابلی، سعود، روزنامه الوطن، «الدبلوماسية الدينية و دور المملكة»، <<http://www.alwatan.com.sa/Articles/Detail.aspx?ArticleId=3674>> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۶)
- کاظمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «تحول در سیاست خارجی عربستان پس از سال ۲۰۰۳»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- گاس، گریگوری (۱۳۹۰)، **سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه**، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- گیلبوا، ایثان (۱۳۸۸)، **ارتباطات جهانی و سیاست خارجی**، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمد صادق اسماعیلی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پایگاه اینترنتی شفقنا (۱۳۹۱)، «مرکز جدید گفتگوی ادیان شاه عبدالله بن عبدالعزیز یا پایگاه وهابیت؟»، <<http://tinyurl.com/mqcj5s8>> (دسترسی در تاریخ: ۱۳۹۱/۰۹/۰۹)
- مسجد جامعی، محمد (۱۳۶۹)، **تحول و ثبات در خلیج فارس**، قم، انتشارات حمید.
- مسجد جامعی، زهرا (۱۳۸۰)، **نظری بر تاریخ وهابیت**، تهران، صریح دانش.
- مطلبی، سید ابوالحسن (۱۳۸۳)، **عربستان در عرصه تبلیغات**، مبلغان، شماره ۵۶.
- ملکی، عباس (۱۳۸۷)، «مفاهیم جدید در دیپلماسی فرهنگی»، **ماهنامه چشم انداز ارتباطات فرهنگی**، شماره ۳۰.
- نکویی، سیداحمد (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مصر»، پایان‌نامه



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۲۷

الگوی مذهبی در
دیپلماسی فرهنگی ...

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
 هادیان، ناصر و احدی، افسانه (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، فصلنامه‌ی بین‌المللی
 روابط خارجی، سال اول، شماره ۲.
 وب سایت رابطه العالم الاسلامی، (۱۳۹۱) <<http://en.themwl.org/node/104>> (دسترسی در تاریخ
 ۱۳۹۱/۰۹/۰۹)

- Baroni, Samiah (2006), "Saudi Arabia and Expantionist Wahhabism", B.A. thesis of Political Science, University of Central Florida, Orlando, Florida.
- Gilboa, Eytan (2008), "Searching for Theory of Public Diplllomacy", The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 616, 55-77.
- Leight, Naomi (2011), "Essays on faith diplomacy", CPD Perspectives on Public Diplomacy, Figueroa Press, Los Angeles.
- Novikov, Evgenii (2005), "The World Muslim League: Agent of Wahhabi Propagation in Europe", Terrorism Monitor, Volume 3, Issue 9.
- Thomas, Scott M (2010), "A Globalized God", foreign affairs, Volume 89 No. 6.
- Manea, Elham (2005), "Regional Politics in the Gulf: Saudi Arabia, Oman, Yemen", SAQI, Westbourne Grove, London.
- Ninkovich, Frank (1996), "U.S. Information Policy and Cultural Diplomacy", Foreign Policy Association.
- Malone, Gifford D. (1988), "Political Advocacy and Cultural Communication: Organizing the Nation's Public Diplomacy", University Press of America.
- Cummings, Milton C. (2003), "Cultural Diplomacy and the US Government: A Survey", Washington DC: Center for Arts and Culture.



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۲۸

سال دوم،
 شماره چهارم،
 زمستان ۱۳۹۱